

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال سیام، دوره جدید، شماره ۴۸، پیاپی ۱۳۸، زمستان ۱۳۹۹ / صفحات ۱۸۰-۱۵۳  
مقاله علمی - پژوهشی

## الگوهای معیشتی ساسانیان در شهرستان دره شهر با استناد به متون تاریخی و جغرافیایی و شواهد باستان‌شناختی<sup>۱</sup>

اکبر شریفی‌نیا<sup>۲</sup>  
یعقوب محمدی‌فر<sup>۳</sup>  
اسماعیل همتی‌ازندریانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

### چکیده

در روند بازسازی الگوهای معیشتی ساکنان گذشته مناطق مختلف ایران، تطبیق محتوای متون تاریخی و جغرافیایی با شواهد باستان‌شناختی، بسیار راهگشا خواهد بود. شهرستان دره شهر از توابع استان ایلام، از جمله مناطقی است که بیشترین دوره استقرار به لحاظ تراکم آثار در آن مربوط به دوره ساسانی (۱۱۷ اثر) است. در این پژوهش برآنیم با تلفیق و تطبیق شواهد باستان‌شناختی و اطلاعات محیطی با محتوای متون جغرافیایی، الگو یا الگوهای معیشتی ساکنان ساسانی شهرستان دره شهر را استنباط و ارائه کنیم. با استناد به شواهد باستان‌شناختی، برآیند پژوهش نشان می‌دهد که در دوره ساسانی مهم‌ترین الگوهای معیشتی متناسب با جغرافیای طبیعی منطقه، ابتدا کشاورزی آبی و سپس کشاورزی دیم و دامداری (کوچ‌روی عمودی) بوده است. در نتیجه، میان نتایج تحلیل داده‌های باستان‌شناختی و محتوای متون تاریخی و جغرافیایی در بحث کشاورزی این منطقه (فراوانی آب و حاصلخیزی خاک) همخوانی نزدیکی وجود دارد. علاوه بر این، با استناد به مطالعات قوم‌باستان‌شناسی، در این دوران در بخش کشاورزی آبی استفاده از کانال و برای مناطق دیم استفاده از تراس‌های سنگی رایج بوده است. این پژوهش به لحاظ ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی و توصیفی-تحلیلی و اطلاعات آن براساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**واژه‌های کلیدی:** دره شهر، ساسانیان، الگوهای معیشتی، قوم‌باستان‌شناسی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HIL.2020.26793.2035

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان akbar.sharifinia39@gmail.com

۳. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان mohamadifar@basu.ac.ir

۴. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان e.hemati@basu.ac.ir

#### مقدمه

بازسازی و تفسیر گذشته انسان، موضوع اصلی باستان‌شناسی و تاریخ است (علیزاده، ۱۳۹۳: ۵۴). آگاهی از گذشته اگر تنها بر پایه مواد نوشته و تاریخی باشد، در بسیاری موارد می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در واقع، تاریخ و باستان‌شناسی در درک و بازسازی جوامع همکاری نزدیکی دارند (همان، ۵۵-۵۶). البته هر دو رشته به لحاظ روش‌شناختی و منابع مورد مطالعه تفاوت‌هایی با هم دارند، اما به عقیده پژوهشگران، هر دو رشته در استفاده از منابع یکدیگر، چونان منابع مکمل گشوده می‌باشند و در به دست دادن معرفت و منظری موثق‌تر از حوادث گذشته به هم یاری می‌رسانند و علاوه بر این، هر دو رشته با واقعیت‌ها و حوادثی در ارتباط‌اند که ماهیتاً تاریخی و انسانی‌اند و یا منتسب و مرتبط با تاریخ و جامعه و جهان بشری. در نتیجه، تفاوت ذاتی و ماهوی میان موضوعات و منابع مورد مطالعه آنها منتفی است (ملاصالحی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در این میان، کشف و درک ارتباط انسان‌های گذشته با محیط اطرافشان در برپایی تمدن‌ها، برای دریافتی درست از شیوه‌های معیشتی آنان، از جمله نقاط مشترکی است که پژوهشگران را در ترکیب و تلفیق منابع تاریخی با شواهد باستان‌شناختی ترغیب می‌کند. شهرستان دره‌شهر از توابع استان ایلام، از جمله مناطقی است که به جز برخی اشارات پراکنده در محتوای متون جغرافیایی، متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه مطالعه هدفمندی درباره حضور ساسانیان در آن صورت نگرفته است. برای برطرف کردن این خلأ تاریخی، پس از انجام بررسی‌های باستان‌شناسی با هدف کشف شواهد فرهنگی حضور ساسانیان در این شهرستان، ۱۱۷ اثر شناسایی شد. در ادامه اهداف پژوهشی، نگارندگان بر آن شدند با تلفیق و تطبیق شواهد باستان‌شناختی و اطلاعات محیطی با محتوای متون جغرافیایی جغرافیایانویسان مسلمان، الگو یا الگوهای معیشتی ساکنان ساسانی شهرستان دره‌شهر را استنباط و ارائه کنند. بر این اساس سؤالات اصلی این پژوهش عبارت است از:

۱. با استناد به مطالعه تطبیقی، شواهد باستان‌شناختی و مطالعات محیطی الگوهای معیشتی ساسانیان در شهرستان دره‌شهر چه بوده است؟
۲. شیوه‌ها و روش‌های استفاده از قابلیت‌های محیطی شهرستان دره‌شهر در دوره ساسانی در بحث الگوهای معیشتی چه بوده است؟
۳. چه میزان تطابق میان شواهد باستان‌شناختی با محتوای متون جغرافیایی جغرافیایانویسان مسلمان درباره الگوهای معیشتی ساسانیان در شهرستان دره‌شهر وجود دارد؟ همان‌گونه که پیش از این بیان شد، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش جامعی درباره حضور ساسانیان در شهرستان دره‌شهر و الگوهای معیشتی آنها صورت نگرفته است، اما مطالعات

پراکنده‌ای را که درباره آثار ساسانیان در این شهرستان به سرانجام رسیده است، می‌توان به دو بخش «معرفی برخی آثار ساسانی شهرستان دره‌شهر به صورت موردی» و «نتایج بررسی و شناسایی‌هایی باستان‌شناسی» تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به آنها اشاره شده است. استین در کتاب *راه‌های قدیمی غرب ایران* (۱۹۴۰) در بررسی‌های باستان‌شناسی خود در سال ۱۳۱۸ ش. در شهرستان دره‌شهر، شهر تاریخی سیمره، تنگه بهرام چوبین، پل چمن‌مشت و غیره را متعلق به دوره ساسانی دانسته است (Stein, 1940). در پژوهش‌های دیگر، بنای موسوم به «چهار طاقی سرخ‌آباد» (ایزدپناه، ۱۳۶۳؛ کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸؛ مظاهری و زینی‌وند، ۱۳۹۵)، «تپه پامیل» (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸)، «محوطه چمن‌مشت» (علی‌بیگی، ۱۳۹۱) مربوط به دوره ساسانی و آثار موجود در تنگه بهرام چوبین این شهرستان، مربوط به اواخر دوره ساسانی و اوایل قرون نخستین اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند (محمدی، ساریخانی و مردانی، ۱۳۹۳). خداکریم مظاهری، محسن زینی‌وند و بهرام کریمی (۱۳۹۳) نیز با شرحی بر جغرافیای تاریخی ایالت مهرجان قدق، با استناد به شواهد باستان‌شناسی، زوال این ایالت را قرن چهارم قمری دانسته‌اند و در نهایت در کتاب *باستان‌شناسی و تاریخ دره‌شهر* نوشته اکبر شریفی‌نیا و طیبه شاکرمی (۱۳۹۶)، مجموعه منابع منتشر شده فوق در رابطه با آثار ساسانی شهرستان دره‌شهر جمع‌آوری و در کنار جغرافیای تاریخی این منطقه و تکمیل آن ارائه شده‌اند. بخش دوم پژوهش‌های صورت گرفته مربوط به پنج فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی در این شهرستان است که علاوه بر معرفی شواهد فرهنگی به دست آمده از دوران مختلف تاریخی، ۱۱۷ اثر ساسانی شناسایی و معرفی شده است (شهبازی، ۱۳۸۴، مظاهری، ۱۳۸۵).

این پژوهش از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی و توصیفی-تحلیلی و اطلاعات آن براساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نگارندگان پس از انجام بررسی‌های باستان‌شناسی و شناسایی ۱۱۷ اثر از دوره ساسانی در شهرستان دره‌شهر و سپس تنظیم، طبقه‌بندی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از ابزار GIS، به تحلیل محتوای این داده‌ها پرداخته و پس از تطبیق نتایج آن با محتوای متون جغرافیایی، با انجام مطالعات قوم‌باستان‌شناسی به تحلیل الگوهای معیشتی ساسانیان در این منطقه پرداخته‌اند.

### مبانی نظری پژوهش

امروزه در مطالعات باستان‌شناسی، رویکرد «باستان‌شناسی چشم‌انداز»<sup>۱</sup> بخش مهمی از مطالعات پژوهشگران این رشته در بازسازی الگوی استقرار تمدن‌های گذشته و نوع تعامل انسان و

محیط در آن روزگاران را به خود اختصاص داده است. باستان‌شناسی چشم‌انداز به تحلیل چشم‌انداز فرهنگی در طول زمان علاقه‌مند است. این امر مستلزم ضبط و تاریخ‌گذاری عوامل فرهنگی که باقی مانده و نیز تفسیر روابط اجتماعی، اقتصادی با عوامل محیطی است. فرض بر این است که چشم‌انداز طبیعی به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه براساس اهداف دینی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و یا نمادین بازسازی می‌شوند. در این رویکرد شواهد و مدارک شامل آثار فعالیت‌های جابه‌جایی زمین، الگوها یا توالی پوشش گیاهی، آثاری از کشاورزی‌ها و باغات، زیستگاه‌ها و فعالیت‌های مختلف استفاده از زمین است (Wilkinson, 2003: 3-4). در تعریفی دیگر، در باستان‌شناسی چشم‌انداز ارتباط فضایی بین افراد، زمین‌ها (خاک)، مواد خام و منابع آبی مورد توجه است (David and Thomas, 2008: 25). به بیانی دیگر، باستان‌شناسی چشم‌انداز در تلاش برای توصیف، تفسیر و فهم توسعه سیمای فرهنگی بر روی سطح زمین است (Wilkinson, 2003: 4). بر این اساس، باستان‌شناسان مفاهیم جغرافیایی را به کار می‌گیرند و داده‌های در دسترس را به شکل نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی و ارتباط آنها با عوارض طبیعی و زمین‌شناختی مطالعه می‌کنند (دارک، ۱۳۷۹: ۲۳). پس از تهیه نقشه‌های توزیعی که طرح و نمایش پراکندگی‌ها و توزیع محل‌های باستانی در محدوده محیطی است (فاگان، ۱۳۸۲: ۵۹۵/۲)، باستان‌شناسان با استفاده از رهیافت تحلیل حوزه‌گیری یا جذب زیست‌محیطی (علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۵۴) و پس از آن «تئوری میان‌برد» تلاش می‌کنند مدارک به دست آمده خود را تفسیر کنند (رنفریو و بان، ۱۳۹۰: ۳۴۲). به‌طور کلی پذیرفته شده است که رفتار و عقاید گذشته انسان از سوی باستان‌شناسان «درک و دریافت» یا «بازسازی» نشده، بلکه این کار با درجات متفاوتی از «حدس و گمان»، «بنا و ابداع»، «برداشت و تصور» یا «احتمال» بیان شده است و این حدسیات و برداشت‌ها آشکارا به عنوان عقاید باستان‌شناسان درباره دوران گذشته شناخته می‌شوند (تریگر، ۱۳۹۴: ۵۲۶). بر همین اساس، این نظریه تلاش می‌کند تا شکاف بین مدرک باستان‌شناختی جدید و رفتارهای گذشته را از بین ببرد (رنفریو و بان، ۱۳۹۰: ۳۴۲). «رویکرد مستقیم تاریخی» یکی از گونه‌های نظریه میان‌برد است که از اطلاعات تاریخی یا قوم‌نگاری درباره فرهنگ‌های زنده و پویا، برای توصیف یافته‌های باستان‌شناسی مرتبط با دوران‌ها -مراحل که از لحاظ تاریخی ثبت یا مکتوب نشده و دارای ارتباط نزدیک‌تر با همان فرهنگ است- استفاده می‌کند (تریگر، ۱۳۹۴: ۵۲۷). باستان‌شناسان نو استدلال می‌کنند که مطالعات «قوم‌باستان‌شناسی» (یعنی درک گذشته از راه مشاهده جوامع سنتی امروزی) مؤثرترین روش برای درک ارتباط رفتارها با نتایج مادی‌شان است. بر همین اساس، پژوهشگران معتقدند مردم طوایف اطراف زاگرس به احتمال بسیار مدل‌های مفیدی برای

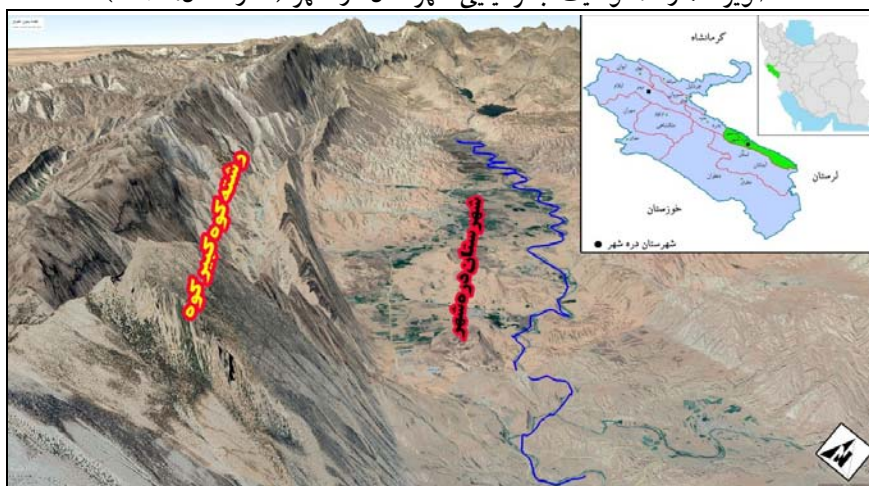
بازسازی‌های گذشته خواهند بود (Hole, 1978: 132). بنابراین به کارگیری مطالعات قوم‌باستان‌شناسی به نوعی حرکت به سمت استفاده از قیاس در این مطالعات است. در یک تعریف، قیاس عبارت است از جریان نتیجه‌گیری مبنی بر اینکه چنانچه اشیائی خصوصیات مشابهی داشته باشند، در مشابهت‌های دیگر نیز سهیم‌اند (فاگان، ۱۳۸۲: ۵۳۲/۲). البته باید به این نکته توجه داشت که در یافتن و مطالعه همگونی‌های فرهنگی و مادی بین گذشته و جوامع سنتی امروز، باستان‌شناسان باید مراقب باشند که هر دو جامعه بافت زیست‌محیطی همسان داشته باشند تا مقایسه معتبر باشد (علیزاده، ۱۳۹۳: ۶۸).

### جغرافیای طبیعی شهرستان دره‌شهر

شهرستان دره‌شهر به صورت نوار باریکی، بین رشته‌کوه کبیرکوه و رودخانه سیمره در شرق استان ایلام واقع شده است. این شهرستان از شرق منتهی به شهرستان پلدختر از استان لرستان، از جنوب منتهی به شهرستان آبدانان و از غرب منتهی به شهرستان بدره از استان ایلام است و از نظر توپوگرافی به سه واحد عمده «کوهستان»، «پایکوهی» و «دشت‌ها» تقسیم شده است (هنجاری، ۱۳۸۵: ۴۴). واحد کوهستان از نظر توپوگرافی بسیار متنوع است و قله بالایی سه‌هزار متر تا دشت‌های زیر سیصد متر نسبت به سطح دریا، در آن دیده می‌شود (کرشاهی، ۱۳۹۰: ۶۵). بلندترین آنها قله‌ای به نام کبیرکوه به ارتفاع ۲۷۹۰ متر است (جعفری، ۱۳۸۴: ۴۲۲/۱-۴۲۴). سطوح تپه‌ماهور بیشتر در قسمت‌های بالادست رودخانه‌های فصلی دیده می‌شوند که خود گواه بر این مطلب است که فرسایش آبی در این قسمت‌ها زیاد است (زینی‌وند، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۷). واحد دشت‌ها در شهرستان دره‌شهر، به واحد دشت‌های دامنه‌ای و دشت‌های جلگه‌ای تقسیم می‌شود (کرشاهی، ۱۳۹۰: ۶۵). دشت‌های دامنه‌ای با شیب ملایم و پستی و بلندی کم است. شیب عمومی این دشت‌ها دو تا پنج درصد است و از نظر پوشش گیاهی، بیشتر دیم‌کاری غلات و در بعضی از قسمت‌ها زراعت آبی و باغ‌کاری صورت می‌گیرد (همان، ۶۵). دشت‌های جلگه‌ای میان واحدهای تپه‌ماهوری و رودخانه سیمره یعنی قسمت شمالی شهرستان دره‌شهر واقع شده و دارای شیب بسیار کم، خاک‌های حاصلخیز و منابع آب فراوان (رودخانه سیمره) است. در این دشت‌ها کشت به صورت آبی انجام می‌گیرد (علیشاهی، ۱۳۸۷: ۷۵). منطقه دره‌شهر غالباً تحت تأثیر جریانات هوای مدیترانه و از جمله مناطقی است که با توجه به وجود رودخانه‌های فصلی و دائمی (سیمره، سیکان، شیخ‌مکان و غیره)، آب‌های زیرزمینی، دشت‌های حاصلخیز و دامنه‌های رشته‌کوه کبیرکوه، از گذشته‌های دور تا به امروز شرایط زیست‌جمعیت‌های کشاورز و دامدار را در خود فراهم ساخته است. پوشش گیاهی این

منطقه نیز همانند توپوگرافی آن، در سه بخش کوهستانی، مناطق کوهپایه‌ای و مناطق دشت قابل تقسیم‌بندی و مطالعه است. پوشش گیاهی در بخش‌های کوهستانی شهرستان، شامل گونه‌های مختلف درختی و درختچه‌ای بادام کوهی و بلوط، در مناطق کوهپایه‌ای شامل گونه‌های بوته‌ای و درختچه‌های خاردار، گز، اکالیپتوس، نی و در مناطق دشت نیز شامل گونه‌های مختلف گیاهان علوفه‌ای است (شریفی نیا و شاکرمی، ۱۳۹۶: ۶-۲۴؛ تصویر شماره ۱).

تصویر شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان دره شهر (نگارندگان، ۱۳۹۸)



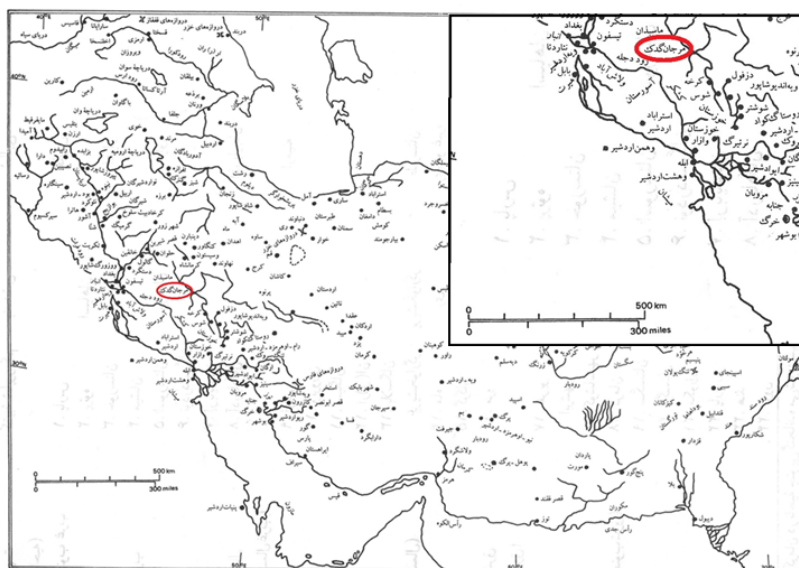
### جغرافیای تاریخی شهرستان دره شهر (سیمره) در دوره ساسانی

به عقیده برخی محققان، ویرانه‌های امروزی شهر سیمره که در جنوب و جنوب غربی شهرستان دره شهر قرار دارد، در دوران ساسانی مرکز کوره مهرجان قذق بوده (احمدوند، ۱۳۹۷: ۷۷۳) و این کوره جزء ناحیه غرب یا همان کوست خوربران بوده است. که محل اصلی آنان سیمره و مقر هرمزان خوزستان بوده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۴۳-۴۹؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۸۳/۵؛ گیلانی و کجباف، ۱۳۹۳: ۱۲۷). از دیگر خاندان ساسانی مستقر در مهرجان قذق، خاندان فیروزان بوده است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۲/۴۶۳). در ذیل جغرافیای کواذ (قباد)، مهرجان قذق از جمله شهرهای آباد دوران ساسانی به لحاظ منابع آب و خاک و مورد پسند قباد پسر فیروز بوده (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۳۷۲) و در ذکر شهرهای پهلوی، علاوه بر نام این شهر (قمی، ۱۳۸۵: ۲۲۸، ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۳)، آن را بخشی از اسقف‌نشین‌های استان مذهبی ایلام (براساس نسخه خطی سریانی ۳۵۴ در کتابخانه ملی پاریس و لوحه‌های الیاس دمشقی حدود ۹۰۰

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۵۹

میلادی) دانسته‌اند (پاتس، ۱۳۸۵: ۶۵۷). به لحاظ موقعیت جغرافیایی، این منطقه در شمال خوزستان، غرب سیمره و در بالادست رودخانه کرخه قرار داشته است (Gyselen, 2007: 58-59؛ نقشه شماره ۱).

نقشه شماره ۱. موقعیت جغرافیایی ایالت مهرجان قذق در دوران ساسانی (برونر، ۱۳۸۱: ۱۵۲)



الگوهای معیشتی شهرستان دره شهر (سیمره) با استناد به متون تاریخی و جغرافیایی آنچه که امروزه به صورت پراکنده و اندک از الگوی معیشتی ساکنان ساسانی شهرستان دره شهر (سیمره یا مهرجان قذق) و ویژگی‌های محیطی آن می‌دانیم، برگرفته از متون تاریخی و جغرافیایی جغرافیایان یونان مسلمان است. در همین منابع نیز اشارات مورخان و جغرافیایان یونان معطوف به وضعیت اقتصادی و معیشتی این ایالت در قرون نخستین اسلامی است. تنها در یک منبع، مقدسی درباره جغرافیای کواد (قباد) اشاراتی به تلاش‌های قباد پسر فیروز برای بررسی مناطقی کرده که در آنجا آب و خاک مناسب وجود داشته است. او ایالت مهرجان قذق را نیز از جمله این مناطق دانسته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۷۲/۲). همچنین ابن حوقل سیمره و سیروان را از جمله مناطقی دانسته است که در آنجا «میوه‌های بسیار، گردو، دستنبویه و محصولات نواحی سردسیر و گرمسیر و آب‌ها و درختان و کشت‌های بسیار دارند و در خانه‌ها و کوی‌های آنها آب جریان دارد» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۲). یعقوبی و دیگر نویسندگان سیمره را منطقه‌ای با مرغزارها، چشمه‌ها و نه‌هایی معرفی کرده‌اند که آبادی‌ها و مزرعه‌ها را مشروب می‌کند

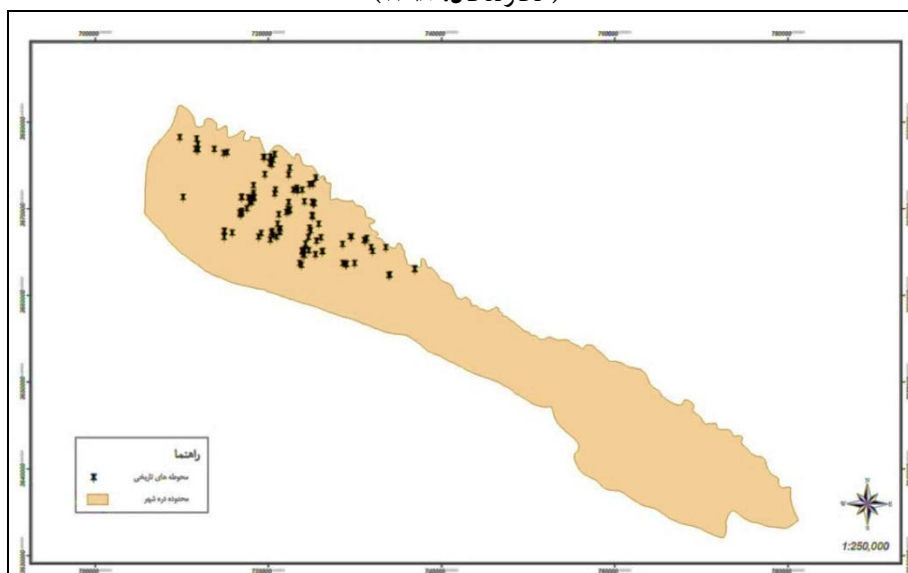
(یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۴/۱؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۴۷۹؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۱۸-۱۱۹). با استناد به همین منابع، در این منطقه محصولاتی چون خرما، زیتون، گردو، میوه گرمسیری و سردسیری، فندق کشت می‌شده است (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲۱۹/۲؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۳۹/۳). همان‌گونه که از محتوای متن فوق استنباط می‌شود، دو عامل محیطی یعنی آب و خاک مناسب، اهمیت بسیاری در معیشت ساکنان ساسانی این منطقه داشته است. علاوه بر کشاورزی، در برخی دیگر از منابع به نقل از اصطخری اشاره شده است که: «در ناحیه کوهستان (جبال) گوسفند بسیار وجود دارد که این نشان می‌دهد مردم این ناحیه به دامپروری اشتغال داشته‌اند» (اکبری، ۱۳۸۶: ۲۶۷). به نظر می‌رسد در نظر گرفتن چنین شیوه معیشتی (دامداری) برای منطقه سیمره، با توجه به پتانسیل‌های محیطی بسیار بالای آن همچون مراتع، جنگل‌ها و غیره دور از ذهن نباشد و نپرداختن جغرافیانویسان به این مسئله، یکی از نقاط ابهام مطالعه الگوهای معیشتی ساکنان سیمره در دوران ساسانی و قرون نخستین اسلامی بوده و البته شاید برخاسته از توجه بیشتر دولت ساسانی به امر کشاورزی نسبت به امور دامداری بوده است.

#### داده‌های پژوهش

همان‌گونه که در بخش مقدمه اشاره شد، در روند بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر، ۱۱۷ اثر از دوره ساسانی شناسایی شد (محدوده مطالعاتی این پژوهش، از منطقه پل گاومیشان در شرق شهرستان دره‌شهر تا منطقه زرانگوش در غرب این شهرستان است). از این تعداد، ۲۱ محوطه تک‌دوره‌ای و مربوط به دوره ساسانی و دیگر محوطه‌ها به صورت چنددوره‌ای می‌باشند (مظاهری، ۱۳۸۵؛ شهبازی، ۱۳۸۴؛ نقشه شماره ۲). براساس تاریخ‌گذاری‌های نسبی، محوطه‌های چنددوره‌ای شامل استقرارهایی از دوران نوسنگی، مس و سنگ، گودین ۳، مفرغ، عصر آهن ۳، هخامنشی و اشکانی است که در میان استقرار محوطه‌های ساسانی، بیشتر بر روی محوطه‌های اشکانی بوده است و به ندرت ساسانیان بر استقرارهای پیش از این دوران استقرار یافته‌اند.



نقشه شماره ۲. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوره ساسانی در شهرستان دره شهر  
(نگارندگان، ۱۳۹۸)

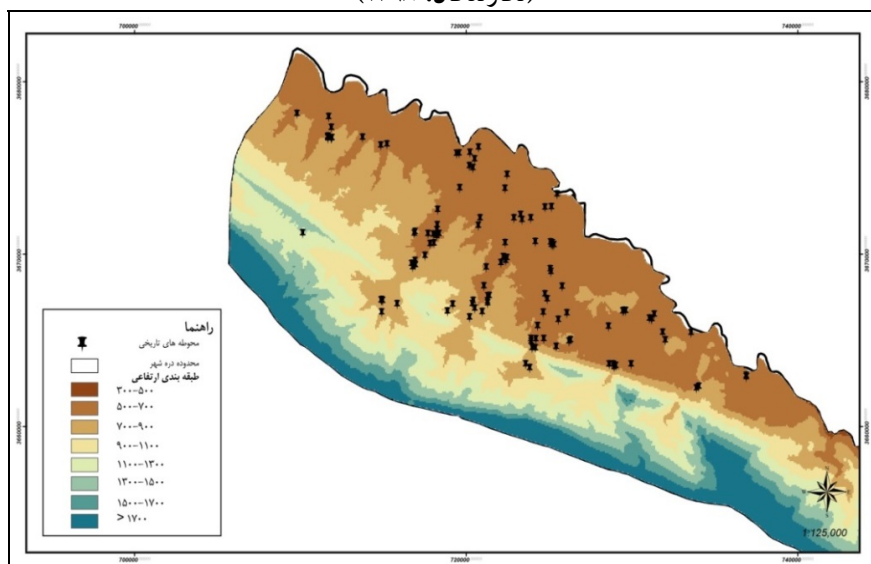


### پراکندگی محوطه‌های ساسانی شهرستان دره شهر نسبت به عوامل محیطی ارتفاع

ارتفاع یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری اقلیم و زیست‌بوم‌هاست که با تشکیل مراکز فشار حرارتی کم و زیاد در مناطق گرم و سرد، بر دیگر ویژگی‌های زیست‌بوم‌ها، چون میزان بارش و اکوسیستم گیاهی - جانوری آنها، طولانی یا کوتاه شدن فصول رشد گیاهی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه، عامل مهمی در زیست‌انسانی و شکل‌گیری شیوه‌های معیشتی متفاوت جوامع مختلف، تعیین‌کننده محدود دسترسی به منابع، نحوه یا میزان تعامل درون و بین منطقه‌ای میان گروه‌های جمعیتی است (خسروزاده و حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۰۹؛ حبیبی، ۱۳۹۶: ۲۷۷-۲۷۶). براساس این متغیر، فواصل ارتفاعی پراکندگی محوطه‌های ساسانی شهرستان دره شهر، نسبت به عامل ارتفاع به ۸ طبقه تقسیم شد و در این تقسیم‌بندی تعداد محوطه‌های هر طبقه به صورت مجزا نشان داده شده است (نقشه شماره ۳). بر این اساس، بیشترین تراکم محوطه‌ها مربوط به طبقه ارتفاعی ۵۰۰-۷۰۰ متر، با ۸۰ محوطه (۶۸.۳۸٪ کل محوطه‌ها) است. این طبقه ارتفاعی، حدود ۲۸۸.۱۱ کیلومتر مربع (۲۵.۳۵٪) از کل مساحت شهرستان دره شهر را در برمی‌گیرد که میانگین تراکم محوطه‌های ساسانی آن، حدود ۲.۸۵ کیلومتر مربع برای هر محوطه است. پس از این طبقه، بیشترین تراکم محوطه‌ها مربوط به فاصله ارتفاعی ۷۰۰-۹۰۰ متر با ۳۶ محوطه

است که حدود ۱۶۳.۶۰ کیلومتر مربع، یعنی معادل ۱۸.۱۸٪ از کل مساحت این شهرستان با میانگین تراکم ۵۴.۵ کیلومتر مربع را به خود اختصاص داده است. در ارتفاعات بالاتر یعنی ۱۱۰۰-۱۳۰۰ متر که حدود ۱۳.۱۲٪ از مساحت شهرستان را در برمی گیرد، تنها ۱ محوطه استقرار یافته است (جدول شماره ۱). با توجه به وضعیت پراکندگی محوطه‌ها و توزیع مکانی آنها، می‌توان چنین استنباط کرد که ارتفاع ۵۰۰-۷۰۰ و ۷۰۰-۹۰۰ متر که بیشترین پراکنش استقرار را به خود اختصاص داده‌اند، شرایط مطلوب و ایده‌آل از منظر ارتفاع از سطح دریا برای شکل‌گیری استقرارهای ساسانی شهرستان دره شهر بوده است.

نقشه شماره ۳. محوطه‌های ساسانی شهرستان دره شهر به تفکیک لایه‌های ارتفاعی  
(نگارندگان، ۱۳۹۸)



جدول شماره ۱. طبقه‌بندی توزیع محوطه‌ها براساس ارتفاع از سطح دریا (نگارندگان، ۱۳۹۸)

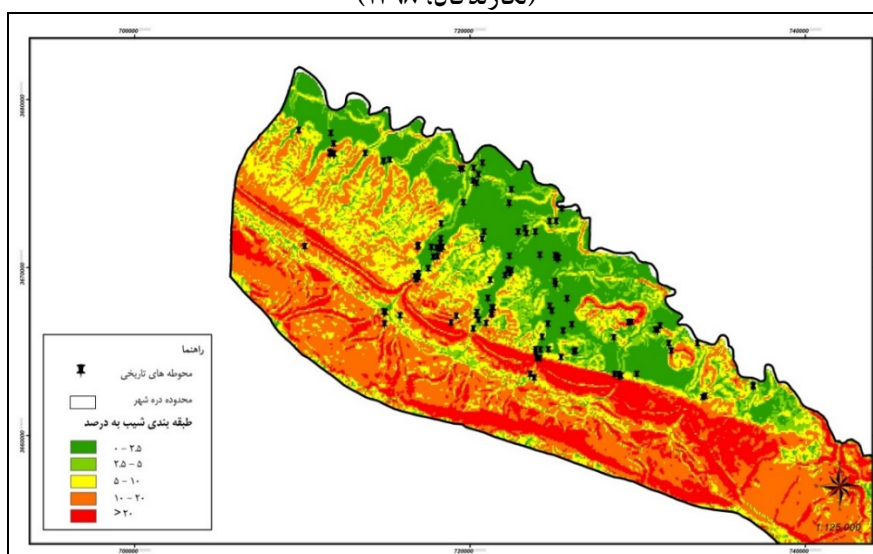
رتبه	تراکم	درصد سایت	تعداد سایت	درصد مساحت	مساحت (کیلومتر مربع)	طبقه‌بندی ارتفاع (واحد متر)
-	۰	۰	۰	۶.۲۶	۵۶.۶۲	۳۰۰-۵۰۰
۱	۲.۸۵	۶۸.۳۸	۸۰	۲۵.۳۵	۲۲۸.۱۱	۵۰۰-۷۰۰
۲	۵۴.۵	۳۰.۷۷	۳۶	۱۸.۱۸	۱۶۳.۶۰	۷۰۰-۹۰۰
-	۰	۰	.	۱۵.۱۶	۱۳۶.۴۲	۹۰۰-۱۱۰۰
۳	۱۱۸.۰۹	۰.۸۵	۱	۱۳.۱۲	۱۱۸.۰۹	۱۱۰۰-۱۳۰۰
-	۰	۰	۰	۹.۱۴	۸۲.۲۱	۱۳۰۰-۱۵۰۰
-	۰	۰	۰	۵.۵۳	۴۹.۸۰	۱۵۰۰-۱۷۰۰
-	۰	۰	۰	۷.۲۶	۶۵.۳۱	۱۷۰۰>
---	---	۱۰۰	۱۱۷	۱۰۰	۸۹۹.۸۰	جمع

#### شیب

با توجه به اهمیت شیب در انواع کاربری‌های کشاورزی، عمرانی و مسکونی، استفاده از این عامل به همراه سایر عوامل محیطی می‌تواند کمک مهمی به سنجش توان سرزمین کند؛ ضمن آنکه شیب یکی از عوامل اصلی در تعیین شکل زمین است (ساریخانی، حیدریان و پارسه، ۱۳۹۵: ۱۰۸). شیب‌های کمتر از ۱۵٪ مناسب‌ترین شیب برای انجام فعالیت‌های کشاورزی است که در صورت مساعد بودن سایر شرایط محیطی و غیرمحیطی، بهبود و افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی را به دنبال دارد (مترجم و بلمکی، ۱۳۸۸: ۱۴۲)، اما شیب‌های بالاتر از ۲۰٪ برای زراعت مناسب نیست. این نواحی شامل چمن‌زار، مرتع، جنگل و مراتع کوهستانی است (فرهودی، ۱۳۷۰: ۸۳). براساس این متغیر، میزان شیب شهرستان دره‌شهر به ۵ طبقه تقسیم شد و بر این اساس، ۴۵ محوطه (۳۸.۴۶٪) در شیب ۰-۲.۵ درصد، ۲۰ محوطه (۱۷.۱۰٪) در شیب ۲.۵-۵ درصد، ۳۲ محوطه (۲۷.۳۵٪) در شیب ۵-۱۰ درصد، ۱۶ محوطه (۱۳.۶۷٪) در شیب ۱۰-۲۰ درصد و تنها ۴ محوطه (۳.۴۲٪) در شیب بالای ۲۰ درصد استقرار داشته‌اند (نقشه شماره ۴). همان‌گونه که در جدول شماره ۲ آمده، بیشترین پراکندگی محوطه‌های ساسانی شهرستان دره‌شهر، در شیب کمتر از ۱۵٪ استقرار داشته‌اند و با افزایش میزان شیب، از تعداد محوطه‌ها کاسته شده است (جدول شماره ۲). بنابراین بیشتر محوطه‌ها به واسطه قرار گرفتن در کوهپایه‌ها با شیب نسبتاً ملایم، امکان کشاورزی و دامداری را برای

ساکنان ساسانی شهرستان دره شهر فراهم ساخته‌اند.

نقشه شماره ۴. نقشه پراکندگی محوطه‌های ساسانی شهرستان دره شهر نسبت به میزان شیب (نگارندگان، ۱۳۹۸)



جدول شماره ۲. طبقه‌بندی توزیع محوطه‌ها براساس درصد شیب (نگارندگان، ۱۳۹۸)

رتبه	تراکم	درصد سایت	تعداد سایت	درصد مساحت	مساحت (کیلومتر مربع)	طبقه شیب (واحد درصد)
۱	۲۱.۳	۴۶.۳۸	۴۵	۷۳.۱۳	۵۷۵۶۲۶.۱۲۳	۰-۲.۵
۳	۵۳.۵	۱۰.۱۷	۲۰	۵۱.۱۰	۵۳۵۲۹۱.۹۴	۲.۵-۵
۲	۰۲۸.۷	۳۵.۲۷	۳۲	۳۷.۲۱	۲۲۶۵۸۲.۱۹۲	۵.۰-۱۰
۴	۴۶.۲۳	۶۷.۱۳	۱۶	۶۵.۳۵	۷۱۵۴۷۷.۳۲۰	۱۰.۰-۲۰
۵	۳۱.۴۹	۴۲.۰۳	۴	۷۴.۱۸	۶۴۲۰۷۵.۱۶۸	۲۰>
---	---	۱۰۰	۱۱۷	۱۰۰	۶۹۹۹۸۹.۸۹۹	جمع

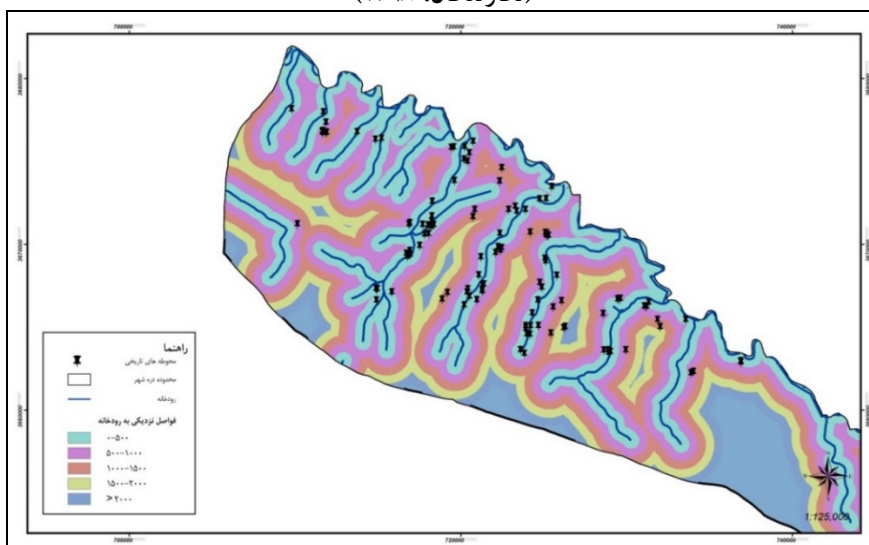
### رودخانه‌های فصلی و دائمی

در طول تاریخ مسئله آب و میزان دسترسی به آن، از جمله مؤلفه‌های مهم در برپایی استقرارهای انسانی بوده است. آب به عنوان یک بخش جدانشدنی از هر چشم‌انداز-هرچند خشک- برای زیست انسانی و هرگونه ارتباط میان انسان و محیط حیاتی است. بنابراین

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۶۵

بررسی منابع آبی در زیست‌بوم‌ها، با توجه به تأثیر انکارناپذیر آن بر تمامی نمودهای زیست انسانی الزامی است (حبیبی، ۱۳۹۶: ۲۷۵). براساس این متغیر، نسبت فاصله استقرارها تا رودخانه‌های شهرستان دره‌شهر، در پنج گروه سنجیده شد. بر این اساس، در حریم کمتر از ۵۰۰ متر، ۷۳ محوطه (۶۲.۳۹٪)، در حریم ۵۰۰-۱۰۰۰ متری، ۳۲ محوطه (۲۷.۳۵٪)، در حریم ۱۰۰۰-۱۵۰۰ متر، ۱۰ محوطه (۸.۵۸٪) و در حریم ۱۵۰۰-۲۰۰۰ متری، ۲ محوطه (۱.۷۱٪) استقرار داشته‌اند (نقشه شماره ۵، جدول شماره ۳). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضریب هم‌بستگی میان دو عامل فاصله از رودخانه‌ها به عنوان متغیر ثابت و تعداد سایت‌های باستانی به عنوان متغیر وابسته، نشان دهنده هم‌بستگی منفی بسیار قوی است؛ یعنی هرچه فاصله بیشتر می‌شود، تعداد سایت‌ها کمتر می‌شود.

نقشه شماره ۵. نقشه پراکندگی محوطه‌های ساسانی شهرستان دره‌شهر نسبت به رودخانه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸)



جدول شماره ۳. طبقه‌بندی توزیع محوطه‌ها براساس نزدیکی به رودخانه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸)

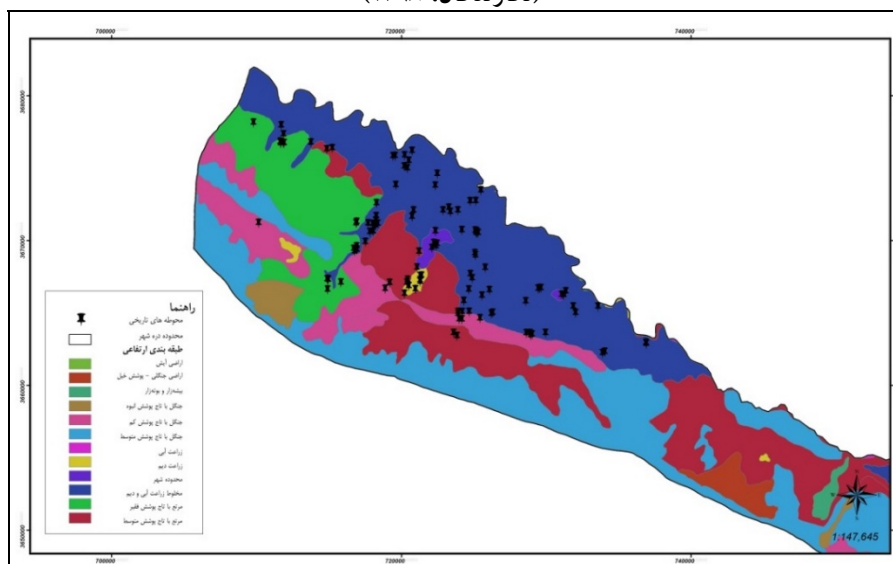
رتبه	تراکم	درصد سایت	تعداد سایت	درصد مساحت	مساحت (کیلومتر مربع)	میزان فاصله از رودخانه (واحد: متر)
۱	۱۷.۴	۳۹.۶۲	۷۳	۸.۳۳	۱۷.۳۰۴	۰-۵۰۰
۲	۰۵.۷	۳۵.۲۷	۳۲	۰۸.۲۵	۶۶.۲۲۵	۵۰۰-۱۰۰۰
۳	۲۰.۱۵	۵۸.۸	۱۰	۹.۱۶	۰۵.۱۵۲	۱۰۰۰-۱۵۰۰
۴	۴۴.۴۶	۷۱.۱	۲	۳۲.۱۰	۸۸.۹۲	۱۵۰۰-۲۰۰۰
۵	۰	۰	۰	۹.۱۳	۰۴.۱۲۵	>۲۰۰۰
---	---	۱۰۰	۱۱۷	۱۰۰	۸۰.۸۹۹	جمع

### کاربری اراضی

با توجه به ارتباط مستقیم کاربرد و میزان بهره‌برداری از خاک با روش معیشت انسان، این عامل نقشی بسزا در پژوهش‌های باستان‌شناختی و در جریان بازسازی سبک و شیوه‌های معیشتی مردمان گذشته ایفا می‌کند (خسروزاده و حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). نوع کاربری اراضی، وابسته به توان طبیعی اراضی و توان طبیعی زمین‌های هر منطقه، بسته به نوع خاک، شیب، ارتفاع، اقلیم و مواردی از این قبیل متفاوت است؛ که این عوامل در بلند مدت شکل می‌گیرند (ساریخانی، حیدریان و پارسه، ۱۳۹۵: ۱۱۴). براساس این متغیر، در تقسیم‌بندی اراضی شهرستان دره‌شهر، برحسب نوع کاربری امروزی ۱۲ نوع کاربری مختلف شناسایی شد (نقشه شماره ۶). بر این اساس، بیشترین تعداد محوطه‌های ساسانی این شهرستان یعنی ۷۰ محوطه (۵۹.۸۲٪) در مناطقی با کاربری زراعی آبی و دیم، ۷ محوطه (۵.۹۹٪) در مناطقی با کاربری زراعی دیم و به همین ترتیب ۱۶ محوطه (۱۳.۶۷٪) در مناطقی با کاربری مرتع با تاج پوشش فقیر، ۱۱ محوطه (۹.۴۰٪) در مناطقی با مرتع با تاج پوشش متوسط، ۷ محوطه (۵.۹۹٪) در مناطقی با کاربری جنگل با تاج پوشش کم و در نهایت ۶ محوطه (۵.۱۳٪) در محدوده شهری استقرار داشته‌اند (جدول شماره ۴).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۶۷

نقشه شماره ۶. نقشه محوطه‌های ساسانی شهرستان دره شهر نسبت به کاربری اراضی  
(نگارندگان، ۱۳۹۸)



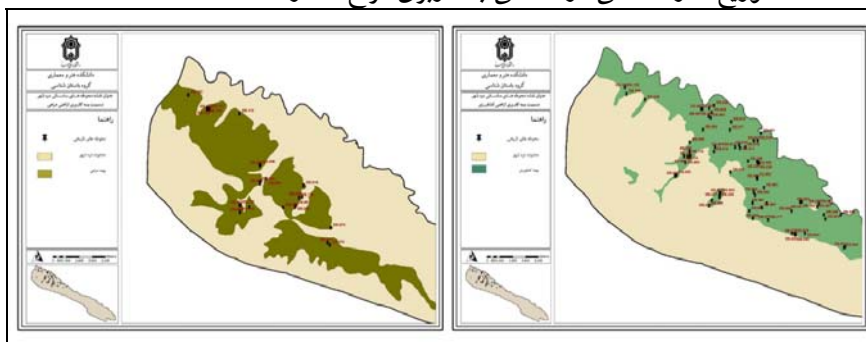
جدول شماره ۴. طبقه‌بندی توزیع محوطه‌ها براساس کاربری اراضی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

رتبه	تراکم	درصد سایت	تعداد سایت	درصد مساحت	مساحت (کیلومتر مربع)	طبقه‌بندی کاربری اراضی
—	۰	۰	۰	۷۲.۱	۵.۱۵	جنگل با تاج پوشش انبوه
—	۰	۰	۰	۷۵.۲۹	۶۷.۲۶۷	جنگل با تاج پوشش متوسط
۴	۹۹.۵	۷	۷	۴۷.۹	۲.۸۵	جنگل با تاج پوشش کم
۱	۸۲.۵۹	۷۰	۷۰	۵۲.۱۹	۶۴.۱۷۵	مخلوط زراعت آبی و دیم
—	۰	۰	۰	۷۶.۳	۸۳.۳۳	اراضی جنگلی - پوشش خیل
—	۰	۰	۰	۹۴.۰	۴۲.۸	زراعت آبی
۴	۹۹.۵	۷	۷	۶۰.۰	۳۵.۵	زراعت دیم
—	۰	۰	۰	۳۷.۰	۳۳.۳	اراضی آیش
۳	۹.۴۰	۱۱	۱۱	۹۲.۲۵	۲۶.۲۳۳	مرتع با تاج پوشش متوسط
۲	۶۷.۱۳	۱۶	۱۶	۱۱.۷	۹۸.۶۳	مرتع با تاج پوشش فقیر
—	۰	۰	۰	۴۲.۰	۸۲.۳	بیشه‌زار و بوته‌زار
۵	۱۳.۵	۶	۶	۴۲.۰	۸.۳	محدوده شهر
---	۱۰۰	۱۱۷	۱۱۷	۱۰۰	۸۰.۸۹۹	جمع

با هدف درک درست الگوی پراکندگی آثار ساسانی شهرستان دره شهر نسبت به کاربری اراضی، نقشه توزیعی این آثار نسبت به بخش‌هایی با کاربری مرتع و کشاورزی آبی و دیم تهیه شد. بر این اساس، ۲۷ اثر در بخش مرتعی و ۷۷ اثر در بخش‌هایی با کاربری کشاورزی دیم و آبی واقع شده‌اند (نقشه‌های شماره ۷).

نقشه‌های شماره ۷. راست: توزیع آثار ساسانی در مناطقی با کاربری کشاورزی آبی و دیم؛ چپ:

توزیع آثار ساسانی در مناطقی با کاربری مرتع (نگارندگان، ۱۳۹۸)



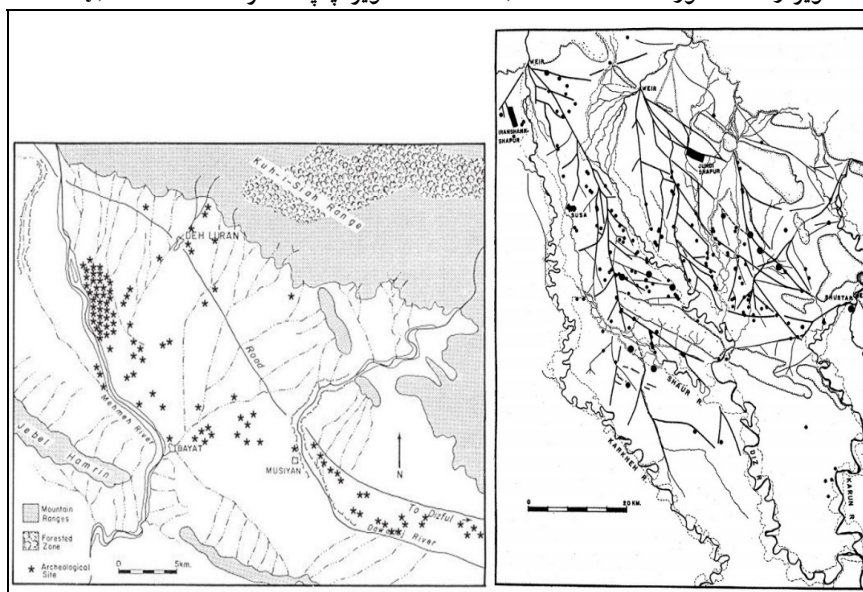
در نتیجه این طبقه‌بندی، موضوعی که در این بخش قابل بررسی است، شیوه‌ها و روش‌های مدیریت و استفاده از منابع محیطی در بخش‌های مختلف کشاورزی آبی و دیم می‌باشد. با استناد به پژوهش‌های باستان‌شناسی در دیگر مناطق ایران چون خوزستان (ونکه، ۱۳۸۱: ۵۱۱-۵۰۳؛ آدمز، ۱۳۸۵: ۹، ۱۶؛ اسدی، ۱۳۹۱: ۳۱۷)، دهلران (Neely, 2016: 235-)، Asadi et al, 2013; (300; Ibid, 2011, 232-254; Hartnell, 2014: 194 Whitcomb, 2014: 210) و مناطق بین‌النهرین (سیمپسون، ۱۳۸۹: ۸۷)، استفاده از تکنیک‌هایی چون ساخت کانال، قنات، سد و بندها، لوله‌کشی آب و غیره از مهم‌ترین شیوه‌های مدیریت منابع آبی با هدف رونق کشاورزی آبی و گسترش سطح زمین‌های زیر کشت در دوران ساسانی بوده است (تصاویر شماره ۲). از سوی دیگر، برای رونق کشاورزی دیم، ساسانیان در بخش کوهپایه‌های دهلران، با ساخت تراس‌هایی با دیوار کوتاه و ساخته شده از قلوه‌سنگ‌های نتراشیده، یک تکنیک مناسب برای جمع‌آوری و کنترل آب باران به کار می‌بردند و این تراس‌ها با حفظ خاک و روان‌آب‌های نقاط مرتفع، شرایط مناسبی را برای کشت دیم در دامنه‌های سنگلاخی فراهم می‌کرد (Neely, 1974: 28-29).



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۶۹

تصاویر شماره ۲. پراکندگی استقرارهای دوره ساسانی متناسب با منابع آبی و کانال‌های انتقال آب.

تصویر راست: خوزستان (Adams, 1962: 117)؛ تصویر چپ: دهلران (Neely, 2016: 295)



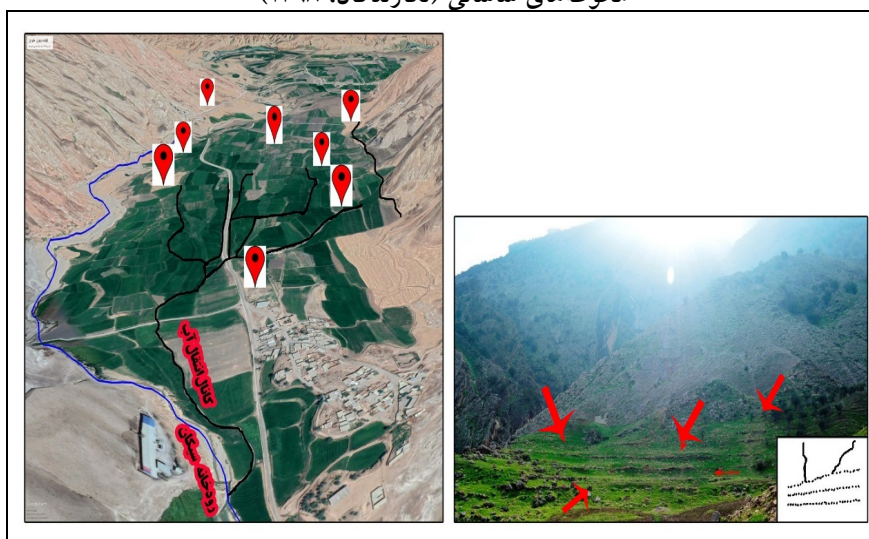
متأسفانه! به علت انجام فعالیت‌های گسترده کشاورزی در شهرستان دره‌شهر و تخریب شواهد فرهنگی، بازسازی و درک شیوه‌های مدیریت منابع آبی در بخش کشاورزی آبی و دیم این منطقه، تنها از طریق مطالعات قوم‌باستان‌شناسی قابل استنباط خواهد بود. بر این اساس، به نظر می‌رسد در این منطقه مهم‌ترین شیوه انتقال آب به بخش کشاورزی آبی، استفاده از کانال‌ها و در بخش دیم ساخت و استفاده از تراس‌ها در دامنه‌های کبیرکوه بوده است. به‌طور کلی، جریان‌های گیسویی<sup>۱</sup> نقش مهمی در ایجاد کانال‌های بخش کشاورزی آبی شهرستان برعهده داشتند؛ بدین معنا که کانال‌های اصلی آب [همانند رودخانه‌های سیکان، سیمره، شیخ‌مکان و غیره] بعد از خروج از کوهستان به علت کاهش شیب و در نهایت کاهش آستانه شیب جهت تمرکز، به صورت واگرا پخش می‌شدند و بر روی مخروط افکنه‌ها گسترش می‌یافتند (مقصودی و محمدنژاد آروق، ۱۳۹۰: ۱۵۹). علاوه بر ساخت کانال، در بخش شرقی شهرستان دره‌شهر، هنوز آثار و نشانه‌هایی از ساخت تراس‌هایی در دامنه‌های کبیرکوه دیده می‌شود که در یک بررسی مقایسه‌ای با منطقه دهلران در دوره ساسانی، می‌توان این شیوه را نیز یکی از روش‌های احتمالی در مدیریت منابع آب باران، غنی‌سازی خاک و گسترش کشاورزی دیم در

## 1. Braided Channel

۱۷۰ / الگوهای معیشتی ساسانیان در شهرستان دره شهر ... / اکبر شریفی نیا و ...

این منطقه در نظر گرفت (تصاویر شماره ۳).

تصاویر شماره ۳. راست: ساخت و استفاده از تراس در بخش کشاورزی دیم در کوهپایه‌های کبیرکوه؛ چپ: استفاده از کانال در توزیع آب رودخانه سیکان و بازسازی کانال انتقال آب به محوطه‌های ساسانی (نگارندگان، ۱۳۹۸)



با استناد به نقشه‌های توزیعی، به احتمال بسیار دامداری بخش دیگری از الگوی معیشتی ساکنان ساسانی شهرستان دره شهر بوده است. به نظر می‌رسد متناسب با جغرافیای منطقه، همانند امروز کوچ‌گری در شهرستان دره شهر از نوع کوچ‌گری عمودی (مهاجرت از دشت به کوهستان و بالعکس) بوده است. این الگو مشمول حرکت چوپانان روستایی با گله به سمت بالا، به داخل کوه‌های مرتفع است که در فصل تابستان صورت می‌گرفت و به جز عده معدودی، معمولاً بیشتر مردم روستایی در پیرامون محصولات و غلات به بار نشسته در روستا یا در چادرها و در پناهگاه‌های خنک‌تر تابستانی قابل حمل خود، در مناطق تحت مالکیت می‌ماندند؛ که این عمل نشان می‌دهد چراگاه‌گردی کوتاه‌مسافت<sup>۱</sup> با کشاورزی یکجانشین در هم آمیخته بوده است (Henrickson, 1985: 17-18). به‌طور کلی، در کوهپایه‌های زاگرس، خوزستان و فارس، شیوه معیشت گله‌داری همواره با کشاورزی دیم همراه بوده است. ادغام این دو شیوه معیشتی مکمل، وابستگی گله‌داران کوچ‌نشین به یکجانشینان کشاورز را کاهش می‌داد. با توجه به این امر، باید گفت اصطلاح صحیح‌تر برای نامیدن عشایر ایران «گله‌دار

1. Short - Range Vertical Transhumance

کشاورز» و یا «گله‌دار کشاورز نیمه کوچ‌نشین» است؛ زیرا محدودیت در وسعت و انواع منابع طبیعی دشت‌های میان‌کوهی، انگیزه‌ای برای خان‌های قبایل باستان این مناطق بود تا بنیان سیاسی و اقتصادی خود را بر پایه دامداری و کوچ‌نشینی، به منابع جمعیتی و اقتصادی کشاورزی دشت‌های پست گسترش دهند (علیزاده، ۱۳۹۷: ۸۱-۸۲). بنابراین نباید متصور شد که در این مناطق گله‌داران به صورت جدا از کشاورزان قرار داشتند؛ زیرا تنوع کافی در منطقه زاگرس اجازه ترکیب فعالیت‌ها را می‌دهد (Hole, 1978: 132). در واقع، دو گروه نام‌برده هم‌جواری و همزیستی دوگانه خود - یعنی همزیستی جغرافیایی و تباری - را از طریق نظام مبادلات و پرداخت به منصف ظهور می‌رساند (علیزاده، ۱۳۹۷: ۸۱).

در نهایت، با شناخت الگوهای معیشتی ساسانیان در شهرستان دره‌شهر، می‌توان سطحی از پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی را برای این منطقه در دوره ساسانی متصور شد. در بحث کشاورزی، استفاده از آبیاری به افزایش محصول در یک قطعه زمین منجر می‌شود که این امر همیشه وابسته به تکامل سرمایه و سرمایه‌گذاری است (Spooner, 1974: 45). افزایش بهره‌وری و ایجاد سرمایه‌گذاری زیرسیستم‌های اقتصادی است که نتایج بسیاری را برای زیرسیستم‌های عرفی و اجتماعی به دنبال می‌آورد و با سرمایه‌گذاری بیشتر و تأکید بیشتر بر این برنامه و کنترل آن، درجه بیشتر و بزرگ‌تری از تشخیص‌بخشی و طبقه‌بندی خاص اجتماعی صورت می‌گیرد و به همین ترتیب، انواع سرمایه‌گذاری متفاوت می‌تواند تولیدکننده گونه‌های مختلف مالکیت و کنترل باشد (ibid, 45). علاوه بر این، در کنار اهتمام دولت ساسانی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و کسب درآمد دولتی خراج اراضی (آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۸) که بدون شک در امر مدیریت منطقه، طبقه‌بندی‌های خاص اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشته، مالیات بر مراتع و دام‌ها نیز (عرب و صادقی، ۱۳۹۲: ۹۱) مناصب و نظارت‌های اجتماعی و اقتصادی خاص خود را می‌طلبیده است. در همین زمینه در کتاب *ماتیکان هزار داستان* که در آن به وضوح به قوانین حاکم بر چراگاه‌گردی عشایر اشاره شده، جابه‌جایی عشایر یک اتفاق رایج و معمول و تحت نظارت دولت ساسانی بوده است (Potts, 2014: 123).

### نتیجه‌گیری

با استناد به بررسی‌های باستان‌شناسی، بیشترین شواهد فرهنگی در شهرستان دره‌شهر مربوط به دوره ساسانی است. در این پژوهش، برای نخستین بار با مطالعه تطبیقی متون تاریخی و جغرافیایی با شواهد باستان‌شناسی، الگوی معیشتی این شهرستان مورد تحلیل و بررسی قرار

گرفته است. نتایج بررسی استقرارهای ساسانی این شهرستان، نسبت به چهار عامل محیطی، نتایج زیر را نشان داده است:

- بیشترین تعداد آثار ساسانی در ارتفاع ۷۰۰-۵۰۰ متر و سپس ۹۰۰-۷۰۰ متر واقع شده است.

- بیشترین تعداد آثار ساسانی در شیب کمتر از ۱۵٪ واقع شده است.

- بیشترین تعداد آثار ساسانی در فاصله کمتر از ۵۰۰ متر نسبت به رودخانه‌های این شهرستان واقع شده است.

- بیشترین تعداد آثار ساسانی در مناطقی با کاربری زراعت آبی و دیم و پس از آن در مناطقی با کاربری مرتع واقع شده است.

در یک جمع‌بندی از نتایج فوق، می‌توان گفت برای فراهم آوردن زمینه لازم برای کشاورزی، قرارگیری در نزدیکی رودخانه‌ها برای تأمین آب و شیب و ارتفاع مناسب برای داشتن خاک حاصلخیز، امری لازم بوده است. بنابراین با توجه به اهمیت کشاورزی در دوره ساسانی و شرایط جغرافیایی مناسب شهرستان دره شهر، بیشترین تراکم آثار ساسانی در بخش‌هایی با کاربری زراعت و بقیه به ترتیب در بخش‌های مرتع، جنگل و مناطق شهری پراکنده بوده است. وجود رودخانه سیمره و دیگر رودخانه‌های فصلی در دشت‌های جلگه‌ای و دامنه‌ای، بهترین امکان را برای کشاورزی فراهم ساخته است. با استناد به مطالعات قوم‌باستان‌شناسی، به نظر می‌رسد هدایت شبکه‌های فرعی جدا شده از رودخانه‌ها و ایجاد کانال در دوره ساسانی، مهم‌ترین روش برای کشاورزی آبی و ایجاد تراس‌های سنگی در دامنه‌های کبیرکوه نیز مناسب‌ترین شیوه برای استفاده حداکثری از توان محیطی این منطقه در امر کشاورزی دیم بوده است.

علاوه بر الگوی معیشتی کشاورزی، دیگر الگوی قابل استنباط از تحلیل داده‌های پژوهش، الگوی معیشتی دامداری از نوع کوچ عمودی است. در نبود هرگونه شواهد فرهنگی از این استقرارها، با تکیه بر مطالعات قوم‌باستان‌شناسی و تطبیق شرایط محیطی شهرستان دره شهر با نتایج پژوهش‌های منتشر شده از دیگر مناطق زاگرس چون خوزستان و فارس می‌توان گفت عرض محدود جغرافیای این شهرستان در کنار غنای منابع محیطی آن، زمینه بهره‌گیری جمعیت دامدار از منابع دشت و کشاورزی را در مقیاس اندک فراهم آورده و به همین دلیل می‌توان این جمعیت را گله‌داران کشاورز نامید که در کنار فعالیت اصلی خود یعنی دامداری، در مقیاس محدود به زراعت می‌پرداختند و بقیه نیازهای زندگی و معیشتی خود را از طریق ارتباط با کشاورزان منطقه تأمین می‌کردند. در نهایت مشاهده می‌شود میان اشارات محدود

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۷۳

متون تاریخی و جغرافیایی در رابطه با فراوانی آب و حاصلخیزی خاک شهرستان دره شهر (سیمره) در دوره ساسانی، با نتایج تحلیل پراکندگی آثار ساسانی در این شهرستان در بحث کشاورزی هم پوشانی بسیاری وجود دارد و این پژوهش علاوه بر تأیید محتوای این متون، الگوی معیشتی دامداری در کنار کشاورزی را برای ساکنان ساسانی شهرستان دره شهر دور از ذهن نمی داند.

### منابع و مأخذ

- آلتهايم، فرانتس و روت استیل (۱۳۸۲)، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- آدمز، رابرت مک کورمیک (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، «کشاورزی و شهرنشینی باستانی در جنوب غربی ایران»، ترجمه کامیار عبدی، *باستان پژوهی*، سال اول، شماره ۲، صص ۸-۲۱.
- ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶)، *ایران در صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبدالله بن عبدالله (۱۸۸۹م)، *المسالك و الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، بیروت: انتشارات دار صادر، افست لیدن.
- ابوالفداء (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدوند، عباس (۱۳۹۷)، «سیمره»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۲۵، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- اسدی، احمدعلی (۱۳۹۱)، «تکامل اجتماعی و اقتصادی ناحیه فارس در دوره ساسانی بر پایه پژوهش های باستان شناختی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴م)، *المسالك و الممالک*، تصحیح محمد جابر عبدالعادل حینی، قاهره: الهيئة العامة للقصور الثقاف.
- اکبری، مرتضی (۱۳۸۶)، *تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه*، قم: انتشارات فقه.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۶۳)، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، ج ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- برونر، کریستوفر (۱۳۸۱)، «تقسیمات جغرافیایی و اداری؛ مالیات ها و بازرگانی»، در *مجموعه تاریخ ایران* کمبریج، گردآوری احسان یارشاطر، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- پاتس، تی دنیل (۱۳۸۵)، *باستان شناسی ایلام باستان*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- تریگر، بروس جی (۱۳۹۴)، *تاریخ تفکر باستان شناسی*، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت.
- جعفری، عباس (۱۳۸۴)، *گیتاشناسی ایران (کوهها و کوهنامه ایران)*، ج ۱، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- حیبی، حسین (۱۳۹۶)، «الگوی استقراری و تحلیل تحولات اجتماعی منطقه آبدانان در دوره ساسانی»، رساله دکتری، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

- خسروزاده، علیرضا و حسین حبیبی (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «مطالعه الگوی استقرار دوره ساسانی دشت میان کوهی فارسان در استان چهارمحال بختیاری»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۸، صص ۹۹-۱۱۸.
- دارک، کن. آر. (۱۳۷۹)، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رنفریو، کالین و پل بان (۱۳۹۰)، *مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی*، ترجمه اکبر پورفرج و سمیه عدیلی، تهران: انتشارات سمیرا.
- زینی‌وند، ایرج (۱۳۷۹)، «بررسی اثرات آب‌وهوا بر کشاورزی استان ایلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ساریخانی، مجید، محمود حیدریان و شهرام پارسه (بهار ۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل الگوی استقرار محوطه‌های ساسانی در دشت میان کوهی سنقر و کلیایی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱۰، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- سیمسون، سنت جان (۱۳۸۹)، *بین‌النهرین در دوره ساسانی: الگوهای استقرار، هنر و صنعت*، در *بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی و ازنش و باززایی در حدود ۲۳۸ ق.م-۶۴۲ م*، گردآوری جان کرتیس، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- شریفی نیا، اکبر و طیبه شاکرمی (۱۳۹۶)، *باستان‌شناسی و تاریخ دره شهر (سیمره)*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- شهبازی، سیاوش (۱۳۸۴)، *بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره*، فصل اول، آرشیو میراث فرهنگی استان کرمانشاه.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم.
- عرب، حسنعلی و حسین صادقی (پاییز ۱۳۹۲)، «برآورد درآمدهای مالیات‌های دولت ساسانی (براساس مدارک باستان‌شناسی و منابع تاریخی)»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۸۹-۹۲.
- علی‌بیگی، سجاد (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «آیا شیء گچی مکشوفه از محوطه چمن‌مشت، نشانی از یک آتشکده دوره ساسانی دارد؟»، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۹۶-۲۰۳.
- علیزاده، عباس (۱۳۹۳)، *مبانی نظری و عملی در باستان‌شناسی با فصل‌هایی در زیست‌شناسی، تاریخ و معرفت‌شناختی*، به کوشش ناهید غفوری، تهران: ایران‌نگار.
- ..... (۱۳۹۷)، «کوچ‌نشینان گله‌دار کشاورز در ایران باستان و معاصر»، *فصلنامه میراث و گردشگری گیگمش*، شماره ۸، صص ۸۰-۹۱.
- علیشاهی، عظیم (۱۳۸۷)، «تحلیل عوامل تأثیرگذار بر توسعه فیزیکی شهر دره شهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۸، زمستان ۹۹ / ۱۷۵

- فاگان، برایان (۱۳۸۲)، *سرآغاز: درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روشها)*، ترجمه غلامعلی شاملو، ج ۲، تهران: سمت.

- فرهودی، رحمت‌الله (۱۳۷۰)، «اطلس شیب ایران و نتایج مساحی آن»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۲۷، صص ۷۵-۹۳.

- قمی، حسن‌بن محمدبن حسن (۱۳۸۵)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن‌بن علی‌بن عبدالملک قمی، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، قم: انتشارات کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۶۸)، *شهرهای ایران*، گردآوری محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.

- کرشاهی، سکینه (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان زرین‌دشت شهرستان دره‌شهر)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.

- گیلانی، نجم‌الدین و علی‌اکبر کججاف (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «تحلیل مقاومت‌های هرمان مهرگانی در برابر اعراب مسلمان»، *فرهنگ ایلام*، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۱۲۵-۱۳۷.

- مارکورات، یوزف (۱۳۷۳)، *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: نشر اطلاعات.

- مترجم، عباس و بهزاد بلمکی (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل استقرارهای اشکانی دامنه‌های شمالی الوند (همدان)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۳.

- محمدی، حمید، مجید ساریخانی و یاسر مردانی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «بررسی مجموعه آثار موجود در تنگه بهرام چوبین شهرستان دره شهر»، *فرهنگ ایلام*، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۷۸-۹۴.

- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۵)، *بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره*، ج ۱، ۲، ۳، ۴، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.

- مظاهری، خداکرم، محسن زینی‌وند و بهرام کریمی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «زوال ولایت مهرجانقدق براساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۲.

- مظاهری، خداکرم و محسن زینی‌وند (بهار ۱۳۹۵)، «شهرستان دره‌شهر و جاذبه‌های تاریخی آن»، *فصلنامه / باختر*، سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹-۳۰، صص ۲۷۹-۲۹۸.

- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم من معرفة الاقالیم*، تطبیق و تنظیم علینقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- مقصودی، مهران و وحید محمدنژاد آروق (۱۳۹۰)، *ژئومورفولوژی مخروط‌افکنه‌ها*، تهران: دانشگاه تهران.

- ملاصالحی، حکمت‌الله (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «از قلم مورخان تا کلنگ باستان‌شناسان»، فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- ونکه، رابرت. جی (۱۳۸۱)، *غرب ایران در دوره پارت و ساسانی: تغییر شاهنشاهی، باستان‌شناسی غرب ایران*، زیر نظر فرانک هول، تهران: سمت.
- هنجاری، هوشیار (۱۳۸۵)، «امکان‌سنجی صنایع تبدیلی در توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت: انتشارات دار صادر، الطبعة الثانية.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۳۵۶)، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Adams, R. M. (1962), "Agriculture and Urban life in early South-West Iran", *Science*, Vol.136, No. 3511, pp.109-122.
- Asadi, A & S. M. M. Kouhpar & J. Neyestani & A. Hojabri-Nobari (2013), "Sasanian and Early Islamic settlement patterns north of the Persian Gulf", *Vicino Oriente*, no.17, pp.21-38.
- David, B. & J. Thomas (2008), *Handbook of Landscape Archaeology*, London and New York: Left Coast Press.
- Hartnell, T. (2014), "Agriculture in Sasanian Persis: ideology and practice", *Journal of Ancient History*, 2 (2), pp182-208.
- Henrickson, E. F. (1985), "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan)", *Iranica antiqua*, no.20, pp.1-42.
- Hole, F. (1978), "Pastoral Nomadism in Western Iran", *EXPLORATIONS IN ETHNOARCHAEOLOGY*, Edited by Richard A. Gould, New Mexico: University of New Mexico press, pp:127-167.
- Gyselen, R. (2007), *Sasanian Seals and Sealings*, in the A. Saeedi Collection, Peeters Publishers.
- Neely, J. A. (1974), "Sasanian and Early Islamic Water-Control and Irrigation System on the Deh Luran Plain", Iran, in *Irrigation's Impact on Society*, Downing, T.E, Gibson, G. Publisher by University of Arizona Press (Tucson, AZ), pp.21-43.
- ..... (2011), "Sasanian period drop-tower gristmills on the Deh Luran Plain, southwestern Iran", *Journal of Field Archaeology*, VOL.36, NO.3, pp.232- 254.
- ..... (2016), "Parthian and Sasanian settlement patterns on the Deh Luran plain, Khuzistan Province, Southwestern Iran", *Iranica Antiqua*, 51, PP.235-300.
- Potts, D. T. (2014), *Nomadism in Iran: From Antiquity to the Modern Era*, New York: Oxford University press.
- Spooner, B. (1974), "Irrigation and society the iran plateau", *Irrigation's Impact on Society*, editors by THEODORE. E. DOWNING and McGUIRE GIBSON, University of Arizona Press (Tucson, AZ), pp.43-59.
- Stein, sir Aurel, K.C.I.E , (1940), "old Routes of western iran", Narrative of an Archaeological Journey Carried Out and Recorded, Antiquities examined, described and illustrated with the assistance of Fred. H. Andrews, O.B.E, London.
- Whitcomb, D. (2014), "Landscape signatures in Sasanian archaeology", *Journal of Ancient History*, 2(2), pp.209-215.
- Wilkinson, T. J. (2003), *Archaeological Landscapes of Near east*, Arizona: The university of Arizona press.



### List of sources with English handwriting

#### Persian and Arabic Sources

- Abulfidā (1349 Š.), Taqvīm al-Boldān, translated by Tehran: Entišārāt-e Bonyād-e Farhang. [In Persian]
- Aḥmadvand, ‘Abbās (1397 Š.), “Seymara”, Dānišnāma-ye Jāhān-e Eslām, Vol. 25, Tehran: Bonyād-e Daerat al-Ma‘ārif Eslāmī. [In Persian]
- Akbarī, Mortazā (1386 Š.), Tārīk-e Ostān-e Ilām az Āgāz tā Soqūt-e Qājārīye, Qom: Entišārāt-e Fiqh. [In Persian]
- Asadī, Ahmad ‘Alī, (1391 Š.), “Takāmol-e Ejtīmā’ī va Eqtišādī-e Nāhia-e Fārs dar dawra-ye Sāsānī bar Pāya-e Bāstānšīnākī”, PhD. Thesis, Dānišgāh-e Tarbiat Modaris. [In Persian]
- ‘Alī Baygī, Sajjād (1391 Š.), “Āyā Šai-e Gačī-e Makšūfa az Moḥavāṭa-ye Čam Namašt Nišānī az yek Ātaškada-ye Dawra-ye Sāsānī Dārad?”, Majala-ye Pezūhišhā-ye Bāstānšīnāsī-e Modaris, 4, No. 8, pp. 196-203. [In Persian]
- ‘Alizādeh, ‘Abbās (1397 Š.), “Kūčīnīšnān-e Galadār-e Kišavarz dar Īrān-e Bāstānva Mo‘āšīr”, Fašlnāma-ye Mīrāt va Gardišgarī Gilgamiš, 8, pp. 80-91. [In Persian]
- ‘Alizādeh, ‘Abbās (1393 Š.), Mabānī Nazarī va ‘Amalī dar Bāstānšīnāsī bā Fašlhānī dar Zīstīnāsī, Tārīk va Ma‘rifatSinākī, edited by Nāhīd Čafūrī, Teharn: Īrān Nīgār. [In Persian]
- ‘Alīšāhī, ‘Azīm (1378 Š.), “Tahlīl-e ‘Avāmil-e Taṭīrgozār bar Tosa‘a-ye Fīzīkī-e Šahr-e Darašahr”, MA Thesis, Dānišgāh-e Āzād-e Eslāmī, Vāhid-e ‘Olūm va Taḥqīqāt-e Tīhran. [In Persian]
- ‘Arab, Hasan ‘Alī; Ḥosayn Šādiqī (1392 Š.), “Barāvord-e Darāmadhā-ye Mālīfāthā-ye Dolat-e Sāsānī (Bar Asās-e Madārik-e Bāstānšīnāsī va Manāb‘e- Tārīkī)”, Pezūhišnāma-e Tārīk, 8, No. 32, pp. 89-92. [In Persian]
- Ebn Ḥawqal, Moḥammad (1366 Š.), Īrān dar Šurat al- Arz, translated by Ĵafar Šo ‘ār, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Ebn ḳordādbih, ‘Obaidallāh b. ‘Abdallāh (1889), Al-Masālik va al-Mamālik, Beirut: Dār Šādir.
- Eštāḳrī, Ebrāhīm b. Moḥammad (2004), Al-Masālik va al-Mamālik, edited by Moḥammad Ĵābir ‘Abd al-‘Ādil Ḥainī, Cairo: Al-Hiat al-‘Āma al-Qoṣūr al-Ṭīqāf.
- Farḥūdī, Raḥmatallāh (1370 Š.), “Atlas-e Šīb-e Īrān va Natāyīj-e Massāhī Ān”, Pezūhišhā-ye Joḡrāfiānī, No. 27, pp. 75-93. [In Persian]
- Gilānī, Naĵm al-Dīn; ‘Alī Akbar Kaĵbāf (1393 Š.), “Tahlīl-e Moqāvīmathā-ye Hormozān-e Mihragānī dar barābar-e ‘A‘rāb-e Mosalmān”, FARhang-e Īlām, 15, No. 44-45. Pp. 125-137. [In Persian]
- Ḥabībī, Ḥosayn (1396 Š.), “Olgū-ye Esteqrārī va Tahlīl-e Tahavolāt-e Ejtīmā‘ī-e Mantaqa-ye Ābdānān dar Dawra-ye Sāsānī”, PhD. Thesis, Dānišgāh-e Bū ‘Alī Sīnā Hamadān. [In Persian]
- Hanĵārī, Ḥūšyār (1385 Š.), “Emkānsanjī-e Šanāy‘e Tabdilī dar Tosa‘a-ye Rūstānī-e Baĵš-e Makazī-e Šahristān-e Darašahr”, MA Thesis, Dānišgāh-e Āzād-e Eslāmī, Vāhid-e ‘Olūm va Taḥqīqāt-e Tīhran. [In Persian]
- Ḥimavī, Yāqūt (1995), Mo‘jam al-Boldān, Vol. 3, Beirut: Dār Šādir. Īzadpanāh, Ḥamīd (1363 Š.), Ātār-e Bāstānī va Tārīkī-e Loristān, Vo. 2, Tehran: Entišārāt-e Āgāh. [In Persian]
- Ĵa‘farī, ‘Abbās (1384 Š.), Gītāšīnāsī-e Īrān (Kūhhā va Kūhnāma-ye Īrān), Vol. 1, Tehran: Moassisa-ye Joḡrāfiānī va Kārtogirāfī Gītāšīnāsī. [In Persian]
- Kāmbaĵš Fard, Sakīneh (1390 Š.), “Emkānsanjī-e Estīqrār-e Šanāy‘e Tabdilī va Takmilī bi Manzūr-e Dastyābī bi Tawsi‘a-ye Eqtišādī dar Navāhī-e Rūstānī (Moṭālī‘a-ye Moridī: Dihistān-e Zrrīn Dašt-e Šahristān-e Darašahr)”, MA Thesis, Dānišgāh-e Žanjān. [In Persian]
- ḳosrozādeh, ‘Alī Rezā; Ḥosayn Ḥabībī (1394 Š.), “Moṭālī‘a-ye Olgū-ye Estīqrārī-e Dawra-ye Sāsānī-e Dašt-e Mīān Kūhī-e Fārsān dar Ostān-e ČāhārmaḤāl va Baĵtīārī”, Pezūhišhā-ye Bāstānšīnāsī-e Īrān, 5, No. 8, pp. 99-118. [In Persian]
- Maqdasī, Abū ‘Abdallāh Moḥammad b. Aḥmad (1361 Š.), Aḥsan Al-Taḳāšīm min Ma‘rifat

- al-Aqālīm, edited by ‘Alī Naqī Monzavī, Vol. 2, Tehran: Širkat-e Moalifān va Motarjīmān-e Irān. [In Persian]
- Maqšūdī, Mehrān; Vahid Moḥammadniżād Ārūq (1390 Š.), *Žeomorfolojī Maḵrūtafkanahā*, Tehran: Dānišgāh-e Tihān. [In Persian]
  - Mazāhirī, ḳodākaram (1385 Š.), *Barrasī va Šināsānī Bāstānšinasī-e Dara-ye Symara*, Vol. 1, 2, 3, 4, *Edāra-ye Kol-e Mirāt-e Farhangī, Šanāya‘e Dastī va Gardišgarī-e Ostān-e Īlām*. [In Persian]
  - Mazāhirī, ḳodākaram; Moḥsen Zainīvand (1395 Š.), “Šahristān-e Darašahr va Jāzibahā-ye Tārīḳ-e An”, *Fašlnāma-ye Abāktar*, 8, No. 29-30, pp. 279-298. [In Persian]
  - Mazāhirī, ḳodākaram; Moḥsen Zainīvand; Bahrām Karīmī (1393 š.), “Zavāl-e Vilāyat-e Mihrjānzaq barasās-e Motūn-e Tārīḳī va Dādihā-ye Bāstānšinasī”, *Pežūhišhā-ye Irānšinasī*, 4, No. 2, pp. 85\*102. [In Persian]
  - Moḥammadī, Hamīd; Maǰīd Sārīkānī; Yāsir Mardānī (1385 Š.), “Barrasi-e Majmū‘a Āṭār-e Moǰūd dar Tanga-ye Bahrām-e Čübīn-e Šhristān-e Darašahr”, *Farhang-e Īlām*, 15, No. 44-45, pp. 78-94. [In Persian]
  - Mollāšālehī, Hikmatallāh (1392 Š.), “Az Qalam tā Kolang-e Bāstānšinasān”, *Fašlnāma-ye Bāstānšinasī*, 5, No. 1, pp. 109-126. [In Persian]
  - Motarjīm, ‘Abbās; Biḥzād Bilmakī (1388 Š.), “Barrasī va Taḥlīl-e Estiqrārḥā-ye Aškānī-e Dāmanahā-ye Šomālī-e Alvand (Hamedān)”, *Moṭālī‘āt-e Bāstānšinasī*, 1, No. 1, pp. 135-153. [In Persian]
  - Qomī, Ḥasan b. Moḥammad b. Ḥasan (1385 Š.), *Tārīḳ-e Qom*, translated by Ḥasan b. ‘Alī b. ‘Abd al-Malik Qomī, edited by Moḥammad Reżā Anšārī Qomī, *Qom: Entišārāt-e Kitābkāna-ye Bozorg-e Āyatallāh Mar‘ašī Najafī*. [In Persian]
  - Sārīkānī, Maǰīd; Maḥmūd Ḥaidarīān; Šahrām Pārseh (1395 Š.), “Barrasī va Taḥlīl-e Olgū-ye Estigrārī-e Moḥavaṭahā-ye Sāsānī dar Dašt-e Mīā Kūhī-e Sonqor , Kolyānī”, *Pežūhišhā-ye Bāstānšinasī-e Irān*, 6, No. 10, pp. 101-120. [In Persian]
  - Šahbāzī, Šāvaš (1384 Š.), *Barrasī va Šināsānī-e Bāstānšinasī-e Dara-ye Symara*, *Fašl-e Avval, Āršiv-e Mirāt-e Farhangī-e Ostān-e Kirmānšāh*. [In Persian]
  - Šarīfī Nīā, Akbar; Tayibeh Šākaramī (1396 Š.), *Bāstānšinasī va Tārīḳ-e Dara Šahr (Symara)*, Tehran: *Pežūhišgāh-e Mirāt-e Farhangī va Gardišgarī*. [In Persian]
  - Ṭabarī, Moḥammad b. Ĵarīr (1375 Š.), *Tārīḳ-e Ṭabarī*, translated by Abulqāsim Pāyandeh, Vol. 5, Tehran: *Asāṭīr*. [In Persian]
  - Ya‘qūbī, Aḥmad b. Eshāq (1356 Š.), *Al-Boldān*, translated by Moḥammad Ebrāhīm Āyatī, Vol. 1, Tehran: *Entišārāt-e ‘Elmī va Farhangī*. [In Persian]
  - Zainīvand, Īraj (1379 Š.), “Barrasī Aṭarāt-e Āb va Havā bar Kišāvarzī-e Ostān-e Īlām”, MA Thesis, *Dānišgāh-e Tihān*. [In Persian]

#### English and German and Sources

- Adams, Robert Mackormick (1962), “Agriculture and Urban Life in Early Southern Iran”, *Science*, 136, 109-122.
- Altheim, Franz; Ruth Stiehl (1954), *Ein asiatische Staat; Feudalismus unter den Sasaniden und ihren Nachbarn*, Wiesbaden: Limes-Verlag.
- Asadi, A & S.; M. M. Kouhpar & J. Neyestani; A. Hojabri-Nobari (2013), “Sasanian and Early Islamic settlement patterns north of the Persian Gulf”, *Vicino Oriente*, no.17, pp.21-38.
- Brummer, Christopher (1983), “Gepgraphical and Administrative Divisions: Settlements and Economy”, *Cambridge History of Iran*, Vol. 3 (2), Cambridge University Press.
- David, B. & J. Thomas (2008), *Handbook of Landscape Archaeology*, London and NewYork: Left Coast Press.
- Dark, Ken (1995), *Theoretical Archaeology*, Cornell University Press.
- Fagan, Brian M.; Christopher R. Decorse (2004), *In the Beginning: An Introduction to Archaeology*, Taylor & Francis.
- Gyselen, R. (2007), *Sasanian Seals and Sealings*, in the A. Saeedi Collection, Peeters Publishers.
- Hartnell, T. (2014), “Agriculture in Sasanian Persis: ideology and practice”, *Journal of Ancient History*, 2 (2), pp182–208.

- Henrickson, E. F. (1985), "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan)", *Iranica antiqua*, no.20, pp.1-42.
- Hole, F. (1978), "Pastoral Nomadism in Western Iran", *EXPLORATIONS IN ETHNOARCHAEOLOGY*, Edited by Richard A. Gould, New Mexico: University of New Mexico Press, pp. 127-167.
- Markwart, Josef (1994), *Ernsahr nach der Geographie des Moses Xorenaci mit historisch*, Farnkfurt: Johann Wolfgang Goethe.
- Neely, J. A. (1974), "Sasanian and Early Islamic Water-Control and Irrigation System on the Deh Luran Plain", *Iran, in Irrigation's Impact on Society*, Downing, T.E, Gibson, G. Publisher by University of Arizona Press (Tucson, AZ), pp.21-43.
- ..... (2011), "Sasanian period drop-tower gristmills on the Deh Luran Plain, southwestern Iran", *Journal of Field Archaeology*, VOL.36, NO.3, pp.232- 254.
- ..... (2016), "Parthian and Sasanian settlement patterns on the Deh Luran plain, Khuzistan Province, Southwestern Iran", *Iranica Antiqua*, 51, PP.235-300.
- Potts, D. T. (2014), *Nomadism in Iran: From Antiquity to the Modern Era*, NewYork: Oxford University press.
- Potts, D. T. (2015), *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, Cambridge University Press.
- Renfrew, Colin (2004), *Archaeology: The Key Concepts*, Routledge.
- Simpson, St. John (1992), *Aspects of the Archaeology of the Sasanian Period in Mesopotamia*, Oxford.
- Spooner, B. (1974), "Irrigation and society the iran plateau", *Irrigation's Impact on Society*, editors by THEODORE. E. DOWNING and McGUIRE GIBSON, University of Arizona Press (Tucson, AZ), pp.43-59.
- Spuler, Bertold (2014), *Iran in the Islamic Period*, editors and translators in English: Robert G. Hoyland, Gwendolin Goldbloom, Berenike Walburg, Brill.
- Stein, sir Aurel, K.C.I.E , (1940), "Old Routes of Western Iran", *Narrative of an Archaeological Journey Carried Out and Recorded*, Antiquities examined, described and illustrated with the assistance of Fred. H. Andrews, O.B.E, London.
- Trigger, Bruce G. (2006), *A History of Archaeological Thought*, Cambridge Unversity Press.
- Wenke, Robert J. (1987), "Western Iran in the Partho-Sasanian Period: The Imperial Transformation", *The Archeology of Western Iran*, edited by F. Hole, pp. 251-281. Washington DC: Smithsonian Institution Press.
- Whitcomb, D. (2014), "Landscape signatures in Sasanian archaeology", *Journal of Ancient History*,2(2), pp.209-215.
- Wilkinson, T. J. (2003), *Archaeological Landscapes of Near east*, Arizona: The University of Arizona Press.

**Livelihood Patterns of Sassanid Inhabitants in the City of Darrehshahr, Based  
on Environmental Components and Archeological Evidences<sup>1</sup>**

Akbar Sharifinia<sup>2</sup>  
Yaghoub Mohammadifar<sup>3</sup>  
Esmail HematiAzandaryani<sup>4</sup>

Received: 2019/06/26  
Accepted: 2019/02/15

**Abstract**

In rebuilding the livelihood patterns of past inhabitants of different parts of Iran, accommodating the content of historical and geographical texts with archaeological evidence will be very helpful. Darreh Shahr, located in Ilam province, is one of the areas where the most establishment period, in terms of concentration of works, belongs to the Sassanid era (117 works). Here, we aim to infer and present the Sassanid inhabitants' livelihood patterns of Darreh Shahr by integrating and matching the archaeological evidence and environmental information with geographical texts' content. Based on archaeological evidence, the results show that in the Sassanid era, the most basic livelihood patterns adequate with the region's natural geography were irrigated agriculture, followed by dry farming and livestock farming. Hence, there is a close correlation between the analysis of archaeological data and the content of historical and geographical texts around the agriculture of this area. According to ethnological studies, the use of canals for the irrigated agricultural sector and stone terraces for dryland farming were common. This research is based on historical and descriptive-analytical research methods, and its information is gathered from field studies and libraries.

**Keywords:** Darreh Shahr, Sassanid, Livelihood patterns, Ethnology

---

1. DOI: 10.22051/HII.2020.26793.2035

2. PhD Candidate of Historical Archaeology, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamadan, [akbar.sharifinia39@gmail.com](mailto:akbar.sharifinia39@gmail.com)

3. Professor in Archaeology, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, [mohamadifar@basu.ac.ir](mailto:mohamadifar@basu.ac.ir)

4. Assistant Professor, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, [e.hemati@basu.ac.ir](mailto:e.hemati@basu.ac.ir)

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493